پایان زمین، از مجموعه شعر "دو هستیِ من"

نویسنده: دکتر پرویز آرزو

تاریخ انتشار: 16 Khordad 2585 باستانی برابر با June 6, 2026 میلادی



پایانِ زمین...

چون سیب کِرم‌خورده، زمین روزی
از شاخِ کهکشان به زمین افتد

از سیب چرخ‌خوردهٔ سرگردان
کِرم است کَز یسار و یمین افتد

هم کرم‌های کوچک خشک‌اندام
هم آن جنابِ چاق‌ترین افتد

هم کرم‌های کوچهٔ بی‌نانی
هم کِرم‌شاهِ کاخ‌نشین افتد

با کِرم‌های سرخ و سیاه آن روز
تاریخِ دردهای زمین افتد

یک عده با سلاح اتم، بخشی
با داغ جنگ‌ها به جبین، افتد

از «پنج عضو دایمِ» دنیاخوار

آن روز کرمِ بیش‌ترین افتد

هم ممکن است بیش‌ترین کرم از
اقلیم‌های شیخ‌نشین افتد

آن‌گه شهاب کوچکِ سرشوخی
بر روی کِرم‌های حزین افتد

آری زمین به علت بیماری
از بطن آسمان چو جنین افتد

این سیب کرم‌خورده به خود لرزد
وقتی به فکر روزِ پسین افتد

ای کهکشان! تو اسب فریبایی
آدم چو موریانه ز زین افتد

آبی تکان نمی‌خورد از آبی
بر پینکِ زمانه نه چین افتد...

دکتر پرویز آرزو ـ از مجموعه شعر "دو هستیِ من"